

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در برابر ناتوی فرهنگی غرب

محمدعلی برزنونی^۱

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین(ع)
و دانشجوی دکتری اطلاعات فرهنگی

تاریخ دریافت: ۸۶/۸/۱۸ پیشگاه علوم انسانی و مطالعات تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۱/۹

پرتال جامع علوم انسانی

چکیده

این نوشتار در صدد بررسی مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در برابر ناتوی فرهنگی غرب است. پس از بازشناسی مفهوم جنگ سرد و اقداماتی که در آن دوره صورت می‌گرفت، چرایی و چگونگی تشکیل ناتو با رویکرد نظامی مورد بررسی قرار گرفته است. موضوعاتی از قبیل

پیروزی انقلاب اسلامی، فروپاشی شوروی و نیز بیداری ملل مسلمان و مستضعف، لزوم تغییر رویکرد ناتو و کارکرد آن را پیش روی مؤسسان می‌گذارد. مبارزه با اسلام بیدارگر یا تهدید سبز در قالب مبارزه با تروریسم وجهه همت ناتو می‌شود و ناتوی فرهنگی، که از دوران جنگ سرد فرهنگی آغاز شده بود، شکل نوینی به خود می‌گیرد. پس از مفهوم‌شناسی ناتوی فرهنگی، ویژگی‌های آن و اهداف اصلی غرب از ناتوی فرهنگی در عصر استعمار فرانوی، در پرتو قدرت نرم و نیز راهبردهای ناتو برای جهان اسلام و ایران اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه نیز مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی برای سامان‌دهی مدیریت جبهه فرهنگی در برابر ناتوی فرهنگی غرب در هفت عنوان مورد بررسی قرار گرفته و لوازم این مدیریت در پنج عنوان برشمرده شده است. در خاتمه نیز راه اصلی مقابله با ناتوی فرهنگی، با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی و قدرت نرم آن، تقویت قدرت نرم و هنجارسازی فرهنگی دانسته شده و به عناوین برخی راهکارهای مقابله با ناتوی فرهنگی اشاره گردیده است.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
واژگان کلیدی: جنگ سرد، قدرت نرم، ناتوی فرهنگی، انقلاب اسلامی.

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی به‌رهبری امام خمینی (ره) و تداوم آن با رهبری‌های فرزانه مقام معظم رهبری در جهان معاصر، اکثر معادلات رایج در ادبیات سیاسی جهان را تغییر داد. از جمله این معادلات، موضوع «قدرت» می‌باشد. پدیدآمدن مفاهیمی نوین و پیچیده نظیر «قدرت نرم»، «تهدید نرم» و «جنگ نرم» از این‌زمره است که در میان صاحب‌نظران ایرانی هنوز به‌طورکافی تفصیل عام نیافته است. تفکیک مفهومی میان دونوع قدرت «قدرت سخت»^۱ و «قدرت نرم»^۲ پدیدآمد.

قدرت سخت برای اشاره به تمام توانایی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما قدرت نرم پدیده‌ای مختص زمان معاصر است. ماهیت رایج سخت‌افزاری قدرت در دوران «استعمار کهن» و تاحدی در عصر «استعمار نو»، در عصر «استعمار فرانو» به سمت ماهیت نرم‌افزاری تغییر جهت داد؛ اگرچه از وجه سخت‌افزاری قدرت نیز غفلت نشد. تهدیدات نرم‌افزاری، رویه جدیدی از قدرت را نمایان ساخت که از آن تحت عنوان «قدرت نرم» یاد می‌شود.

قدرت نرم در جهان یکپارچه امروز، که ساختارهای ارتباطی پیچیده، آن را به دهکده‌ای کوچک تبدیل کرده است، امکانی فوق‌العاده‌ای برای قدرت‌مندان فراهم می‌آورد تا هزینه‌های مرتبط با قدرت سخت را به گونه شگفت‌آوری پایین بیاورند و گاه حتی به اهدافی دست یابند که با هر میزان قدرت سخت، دست‌یابی به آن‌ها امکان‌ناپذیر می‌نمود.

1. Hard Power
2. Soft Power

چندی است که، تعبیر ظریف و پیچیده «ناتوی فرهنگی» نیز در جامعه فرهیخته رواج یافته است. سال گذشته رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، در سمنان در جمع استادان و دانشجویان دانشگاه‌ها، تحولات در جوامع بشری را اجتناب‌ناپذیر خواندند و خطر جدی کنترل تحولات منفی جهانی به دست صهیونیسم و سرمایه‌داری جهانی را از طریق کمپانی‌ها، سرمایه‌های عظیم، کارتل‌ها و تراست‌ها متذکر شدند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۵)

هدف، کسب قدرت سیاسی برای تخریب اخلاق جنسی، ترویج مصرف‌گرایی، بی‌اعتنایی به هویت‌های ملی و مبانی فرهنگی با لشگری از امکانات فرهنگی و رسانه‌ها و روزنامه‌های فراوان و مسایل گوناگون تبلیغات بوده است که از آن تحت‌عنوان ناتوی فرهنگی نام برده‌اند. در این نوشتار، تبیینی کوتاه از ناتوی فرهنگی و نیز قدرت نرم ارائه شده است. در ادامه نیز ویژگی‌ها و اهداف اصلی ناتوی فرهنگی بررسی شده است. سپس، مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی برای مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در برابر ناتوی فرهنگی غرب برشمرده شده و با ذکر الزامات این مدیریت، راهبردهایی ارائه گردیده است.

۱. جنگ سرد

معمولاً «جنگ سرد» به دوره‌ی پس از پایان جنگ جهانی دوم حدود سال ۱۹۴۵ میلادی تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ میلادی اطلاق می‌شود. این اصطلاح و اصطلاحات دیگری نظیر آن، در ادبیات سیاسی رایج در غرب، بیانگر فرایندهای اثرگذار روانی در روابط بسیار فعال بین‌المللی بدون هرگونه عمل تهاجمی عمومی و آشکار است. همچنین نشانگر بحران در روابط بین‌المللی و توصیف‌گر روش‌ها و تکنیک‌های متنوع برخورد با بحران

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۱۷

است که از سوی قدرت‌های بزرگ دنبال می‌شود. بررسی این دوره حدوداً ۴۵ ساله، نشان می‌دهد که کشورهای بلوک شرق به رهبری شوروی و بلوک غرب به رهبری امریکا، بدون درگیری مستقیم نظامی با ابزارهای ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و فرهنگی با یکدیگر برخورد کرده و با نوعی تجاوز غیرمستقیم به تحریک و تخریب متقابل می‌پرداختند.

در این دوران، فعالیت‌ها و مبادلات فرهنگی، ورزشی، علمی، کنفرانس‌ها، جشنواره‌ها و گردهمایی‌ها، طرح‌های بازرگانی و روابط تجاری، تخصیص کمک‌های اقتصادی، کشاورزی، صنعتی و صنایع مونتاژ، پرداخت وام‌های بایبهره و کم‌بهره، فشارهای اقتصادی، تحریم اقتصادی، صنعتی و فن‌آوری، اعمال تهدیدات نظامی و اجرای رزمایش‌های گوناگون، به‌ویژه در جوار کشور مورد تهدید، اجرای عملیات روانی و اقداماتی نظیر پخش شایعه، انجام تبلیغات سیاه، سفید و خاکستری، تحریک افراد و گروه‌ها و... و نیز اقدامات سیاسی؛ شامل تشویق و تحریک افراد و گروه‌ها به کودتا و اقدامات مسلحانه، براندازی و خراب‌کاری‌ها و طراحی فشارهای بین‌المللی رواج داشت (وی. ای. دی، ص. ۱۲).

با مروری بر حوادث این دوران، شاخص این دوران، رقابت آشکار و پنهان این دو بلوک در حوزه‌های متنوع سیاسی، اقتصادی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و فرهنگی بود که سایه سنگین این دوران تهدیدمحور چنان بر فضای بین‌المللی گسترده شد که، همه کشورهای جهان را نیز تحت‌الشعاع خویش قرارداد. در این فضای سهمگین، مخرب و قطب‌بندی‌شده، سرنوشت بشریت نیز رقم زده می‌شد. در همین دوران، عالمان و اندیشمندان دبلوک نیز به دوگروه اصلی کمونیست و ضدکمونیست تقسیم‌بندی شدند. اندیشمندان مستقل و میانه‌رو جایی برای

جولان نداشتند. سرویس‌های اطلاعاتی هر دو بلوک شرق و غرب، در همین فضای ابهام‌برانگیز به شدت فعال بودند (ساندرس، ۱۳۸۲).

ناتو چگونه تشکیل شد؟

حدود چهار سال پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۹ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی «ناتو» با حضور آمریکا و کشورهای اروپای غربی با هدف مقابله پیش‌گیرانه با قدرت نظامی شوروی و گسترش آن شکل گرفت (نوروزی، ۱۳۸۵، ص. ۳۹۳).

با توجه به وجود تهدید و به منظور تقابل با تهاجم و توسعه کمونیسم، ناتو به‌عنوان یک مجموعه امنیتی در خدمت توسعه سرمایه‌داری، به‌ویژه سرمایه‌داری آمریکا پذیرفته می‌شود. از آن‌جا که تهدید علیه اروپای غربی از یک سو، و سرمایه‌داری از سوی دیگر، در قالب فیزیکی و نظامی آشکار شده بود، ناتو از نیروهای نظامی ۱۲ کشور عضو به‌وجود آمد تا بتواند پاسخگوی تهدید نظامی شوروی باشد (ویکی‌پدیا، ۲۰۰۷).

البته، شرق هم به رهبری اتحاد جماهیر شوروی بیکار ننشست و در سال ۱۹۵۵ پیمان ورشو را در مقابل آن صف‌آرایی کرد که در سال ۱۹۹۱ با فروپاشی شوروی منحل شد (آناتیدای، ۲۰۰۳).

ساختار اولیه ناتو عبارت است از: سیستم دفاع نظامی نظام سرمایه‌داری، در برابر نظام کمونیسم. بنابراین، رویکرد اصلی اعضای ناتو نظامی است، اگرچه به بحث و بررسی مسایل اقتصادی و سیاسی نیز می‌پردازند (نوروزی، ۱۳۸۵، ص. ۳۹۴). ناتو در سال ۱۹۵۰ با اشغال کره جنوبی، تا جنوب شرق آسیا گسترش یافت و در سال ۱۹۵۲ نیز با پذیرش عضویت یونان و

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۱۹

ترکیه، در حوزه مدیریتانه حضور نظامی یافت. این سازمان تلاش کرد تا با ایجاد تأسیسات پایه‌ای مشترک در زمینه‌های مختلف مانند سیستم مخابراتی واحد، استانداردسازی جنگ‌افزارهای خود و نیز دفاع هوایی، در کشورهای عضو ناتو قدرت خود را نهادینه کند. حتی حضور نظامی خود را خارج از حوزه ناتو نیز به‌نوعی حفظ کرده‌اند. این حضور همچنان در حال گسترش است، اگرچه به شکل جدیدی روی آورده شده است. این سازمان اینک ۲۶ عضو دارد (ویکی پدیا، ۲۰۰۷).

جنگ جهانی و رخداد‌های پس از آن در چند جنگ دیگر، نشان داد که سلاح نظامی کاربرد موفقی برای کشورهای غربی نداشته و ندارد. پیروزی انقلاب اسلامی با داعیه حاکمیت دین در جهانی کاملاً سکولار و پیشرفت‌های روزافزون آن، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و زوال یکی از سردمداران مطرح و مهم‌ترین رهبر کمونیسم، بیداری ملت‌های مسلمان و مستضعف، حتی در قلب امریکا و... موجب شد که راه برخورد تغییر یابد. تحولات چندسال اخیر نشان داد که سلاح نظامی کاربرد موفقی برای زیاده‌خواهان غربی نداشته است. بنابراین، غرب به دنبال تشکیل مجموعه فکری منسجم و سازمانی غیررسمی برآمده که از راه‌های فرهنگی و با به‌کاربردن ابزارهای تبلیغاتی و اقتصادی از اتحاد ملت‌ها جلوگیری و سلطه شوم خود را به ملت‌ها تحمیل کند و این مجموعه، با استفاده از توان تشکیلاتی ناتو، در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به تهاجم روی آورده است.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و شکستن استخوان‌های کمونیسم، جنگ سرد نیز پایان یافت. اما نقش سرویس‌های اطلاعاتی، به‌ویژه آژانس مرکزی اطلاعات امریکا «سیا»، در همه

حوزه‌ها، به‌ویژه حوزه‌های علم و اندیشه، افزایش چشم‌گیری یافت. در دوران پس از فروپاشی شوروی، بسیاری از اسناد «سیا» علنی شده و نوعی بحران در عرصه علم و اندیشه غربی پدید آورد. پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته، ثابت می‌کند که در دوران جنگ سرد در عرصه‌های روشنفکری نیز، مانند سایر عرصه‌ها، این نبرد به‌شدت جریان داشت. این پدیده‌ای است که، «جنگ سرد فرهنگی» نام گرفته است. اینک، در غرب، نسلی پرشور و دقیق از محققان پدید آمده‌اند که بر پایه اسناد علنی‌شده سیا، گروهی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان و مبلغان لیبرال-دموکراسی را به همکاری با سیا و سرویس اطلاعاتی بریتانیا^۱ متهم می‌کنند (ساندرس، ۱۳۸۲).

درواقع، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییر ساختار نظام بین‌الملل، پیمان ورشو منحل شد، کارکرد ناتو به تدریج دگرگون می‌شود. هر سیستم دفاعی برای توجیه فلسفه وجودی و بقای خود نیازمند به تهدید و وجود دشمنانی می‌باشد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تهدید سرخ نیز از بین رفت. در نتیجه، در ماهیت تهدیدات و به‌طور طبیعی در ماهیت کارکردهای ناتو تغییرات اساسی به وجود آمد. تعبیر برخی از غریبان در این زمینه، دیدگاه غرب را نشان می‌دهد که در ادامه می‌آید.

جان گالوین^۲ فرمانده نیروهای ناتو در سال ۱۹۹۲ میلادی گفت: «ما جنگ سرد را از روسیه کمونیست بردیم.» (گالوین، ۱۳۷۳، ص. ۱۲۰) او ادامه داد: «حال می‌توانیم پس از یک کجروی ۷۰ ساله، به نبرد واقعی خود، که قدمتی ۱۴۰۰ ساله دارد و همانا رویارویی با اسلام است، بازگردیم.» (گالوین، ۱۳۷۳، ص. ۱۲۰).

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۲۱

مهم‌ترین اولویت پیمان ناتو در کنفرانس سران واشنگتن ۱۹۹۹ به مناسبت پنجاهمین سالگرد انعقاد پیمان، با مفهوم «استراتژی نوین» جنگ علیه تروریسم، جایگزین جنگ علیه کمونیسم می‌گردد و کانون تروریسم، جهان اسلام، به‌ویژه خاورمیانه معرفی می‌گردد.

حادثه مشکوک و غرب‌ساخته ۱۱ سپتامبر در امریکا، ناتو را در یک فضای امنیتی جدیدی قرارداد. این حادثه، بهانه جدیدی را برای مبارزه علیه تروریسم در سرلوحه اولویت‌های ناتو، بدون توجه به قلمرو سرزمین قرارداد. در همین راستا، دانیل پایپز^۱ یکی از استراتژیست‌های نومحافظه کار آمریکا معتقد بود که جهان اسلام باید مدرنیزه^۲ شود. او معتقد بود که، هدف غایی جنگ با تروریسم باید مدرنیزه کردن اسلام یا به تعبیر وی دین‌سازی باشد (هدف‌گیری ریشه‌ها، ۱۳۸۳). بدین ترتیب، امریکا با همکاری کشورهای عضو ناتو، به بهانه جنگ علیه تروریسم و گسترش دموکراسی امریکایی، جنگ علیه حکومت طالبان و حزب بعث عراق را به مرحله اجرا گذارد.

این سخنان و اقدامات، به‌روشنی حکایت از رویکرد نوین غرب در برخورد با اسلام، به‌عنوان دینی زنده و پویا دارد. در این رویکرد، به‌جای گفتگوی رایج بین ادیان، کاملاً غرورآمیز و خام، سخن از جنگ‌های صلیبی به میان می‌آید. رابین رایت^۳ نیز در همین زمینه به‌درستی تصریح دارد که، با مرگ کمونیسم، اسلام به غلط یکی از رقیبان ایدئولوژیک آینده غرب تلقی گردید (رایت، ۱۳۸۲).

نظم نوین جهانی که امریکا به‌دنبال آن است، انحصار اختیار جهان را در دست یک ابرقدرت و آن هم امریکا می‌خواهد. تحول در ساختار بین‌الملل به واسطه فروپاشی نظام

1. Daniel Pipes
2. Modernized
3. Rabin Write

دوقطبی و گذر به نظم جدید به رهبری و تسلط بلامنازع آمریکا از اهداف اصلی آمریکا است. در این سیاست، حتی ماهیت قدرت نیز تحول می‌یابد و در موقعیت مناطق استراتژیک جهان از جمله منطقه مهم خاورمیانه تغییراتی ایجاد می‌شود.

این طرح، حکایت از نوعی نگاه سلطه‌گرانه و جدید به نظام بین‌الملل با تکیه بر تمرکز قدرت با محوریت آمریکا دارد. حتی برخی به‌صراحت از ساختن یک قرن آمریکایی در طول قرن ۲۱ سخن می‌گویند. آمریکا خود را فاتح و تنها برنده جنگ سرد و تنها ابرقدرت جهان می‌دید. بنابراین، داعیه برقراری نظم نوین جهانی را داشت. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق، کتاب‌ها متعددی توسط صاحب‌نظران آمریکایی نوشته شد که از آمریکا به‌عنوان تنها ابرقدرت جهان نام می‌برد (ایکمنبری^۱، ۱۳۸۲).

از میان سیاست‌مداران آمریکا، جرج بوش پدر، در ژانویه ۱۹۹۳ در سخنرانی خود در کنگره آمریکا صراحتاً به این مطلب اشاره کرد: «واقعیتی وجود دارد که من هیچ نگرانی از اعلام آن در مقابل جهان ندارم. بار عمده جنگ بردوش مردم آمریکا بوده است که در طی سال‌های طولانی جنگ سرد مالیات پرداخته‌اند. آنان حق دارند که بخش عمده غنایم این جنگ را مطالبه کنند و اکنون باید منتظر آثار مثبت این وضعیت باشیم. جهانی که روزگاری به دو اردوگاه مسلح تقسیم شده بود، امروز فقط یک قدرت فایق مطلق می‌شناسد که همان ایالات متحده آمریکا است. باید بدانید که ما ایالات متحده آمریکا هستیم. رهبر غربی، که رهبر جهان شده است» (باقی، ۱۳۸۴، ص ۴۴).

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۲۳

آنچه در این میان کار را برای امریکا مشکل می‌کند، بیداری اسلامی است که در اکثر ملت‌های مسلمان پدید آمده و ریشه آن نیز به پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری پیر فرزانه، عارف بیدار دل، فقیه سترگ و بنیانگذار کبیر نظام جمهوری اسلامی برمی‌گردد. این بیداری، بسط هژمونی امریکا و نهادینه‌سازی سلطه امریکایی و تعمیق نفوذ فرهنگ امریکایی را برای ساختن قرن امریکایی به تعویق انداخته است.

مقام معظم رهبری طی چند سال اخیر، با طرح موضوع تهاجم و شیخون فرهنگی، استعمار فرانونین (خامنه‌ای، ۱۳۸۳) و اینک ناتوی فرهنگی (خامنه‌ای، ۱۳۸۵)، بر ضرورت شناخت نقشه‌های نوین استعماری و آمادگی برای مقابله مناسب با آن تأکید فرموده‌اند. برای مبارزه با ناتوی فرهنگی، که قدرت نرم شاخصه مهم آن است، شناخت طرح‌های امریکا و صهیونیسم بین‌الملل در راستای استعمار فرانونین، ضرورتی بسیار دارد.

۲. مفهوم قدرت نرم

«قدرت»^۱ از مفاهیم اصلی علم سیاست به معنای توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکلی است. به‌طور کلی، قدرت به معنی توانایی نفوذ در رفتار دیگران برای گرفتن نتیجه مطلوب است. ارباب، تهدید، یا متقاعدکردن از طریق تشویق، پرداخت مالی یا جذب دیگران و همکاری با آنها از جمله راه‌های متعدد این نوع تأثیرگذاری و نفوذ است.

مفهوم عمومی قدرت عبارت است از: تحمیل خواست و ارادهٔ یک بازیگر به دیگر بازیگران. مفهوم عمومی قدرت ملی عبارت است از: امکان تحمیل اراده و خواست یک بازیگر بین‌المللی به بازیگر بین‌المللی دیگر. عوامل مختلفی در «قدرت ملی»^۱ یک کشور نقش دارند که مهم‌ترین این عوامل را می‌توان «قدرت نظامی»^۲، «قدرت اقتصادی»^۳، «قدرت سیاسی»^۴، «قدرت اطلاعاتی» و بالاخره «قدرت روانی»^۵ دانست (برزنونی، ۱۳۸۶، ص. ۵).

قدرت روانی در واقع ترکیبی از هم‌بستگی ملی، تاروپود زندگی اخلاقی و اجتماعی مردم و نیز ترکیبی از ماهیت قدرت سازمان‌های ملی از نظر سیاسی، اجتماعی، مذهبی، آموزشی، هنری و علمی است. قدرت روانی شامل نیروها و احساساتی مانند وطن‌دوستی، اخلاق، پشتکار و تمایل به خدمت در راه کشور است. در ضمن، شامل میزان موفقیتی است که یک ملت به دست می‌آورد تا از پشتیبانی سایر ملل برای اقدامات و عملیات خود در امور بین‌المللی برخوردار گردد (نوروزی، ۱۳۸۵، ص. ۵۲۰). از این قدرت روانی و فرهنگی می‌توان تحت عنوان «قدرت نرم» نیز نام برد که در دههٔ اخیر به وجود آمده و در برابر «قدرت سخت» معنا می‌یابد.

اساساً صحنهٔ روابط بین‌الملل، صحنهٔ رویارویی قدرت‌ها است و سرنوشت کشورها نیز به نوعی تابع قدرت کشورها در زمینه‌های مختلف است. از سوی دیگر، قدرت دارای جنبه‌ها و عوامل مختلفی است که بخشی از آن‌ها را نام بردیم. در واقع، همهٔ بازیگران به دنبال تأمین اهداف و منافع ملی خود از طریق کاربرد قدرت هستند. در این میان، کشوری برنده است که

1. National Power
2. Military Power
3. Economic Power
4. Political Power
5. Psychological Power

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۲۵

بتواند قدرت بیش‌تری را به صحنه بین‌المللی بیاورد و به بهترین روش ممکن، قدرت رویارویی حریف را تضعیف کند.

در مقوله قدرت، میزان تأثیرگذاری برحریف همراه با میزان گسترش قدرت و میزان تولید قدرت اثرگذار است. هرکشوری تلاش می‌کند با استفاده از قدرت روانی- فرهنگی، بر ذهن، روان و اراده دیگر کشورها تأثیر گذارد و همین مفهوم قدرت نرم است که در تعریف جوزف نای، «توانایی کسب چیزی است که می‌خواهیم از طریق جذب به جای اجبار به دست آوریم» (نای، ۲۰۰۴، ص. ۳).

مفاهیم متنوعی نظیر تهاجم فرهنگی، تهدید نرم، عملیات روانی، ناتوی فرهنگی و... در واقع، بیانگر بخش‌هایی از صحنه تقابل قدرت نرم روانی- فرهنگی در عرصه بین‌المللی است. در «قدرت نرم»، مخاطب نه از روی جبر و اکراه بلکه با رضایت‌مندی قدرت را می‌پذیرد و به‌خواسته قدرتمند تن در می‌دهد (برزنونی، ۱۳۸۶، ص. ۵). عصر این‌نوع قدرت، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شروع شده و امروز در ادبیات استراتژیک جهان وارد شده و در آن از جاذبه‌های فرهنگی، ایدئولوژی و نهادهای بین‌المللی استفاده فراوان برده می‌شود.

در قدرت نرم بر روی «ذهن‌ها» سرمایه‌گذاری می‌شود و با تغییر در «ذهنیت‌ها» نوعی «عینیت مجازی» تولید می‌شود. نوعی اثر روانی با تبلیغات متنوع رسانه‌هایی که موجب حصول رعب ذهنی از امکانات دشمن یا ساختن تصویری اغراق‌آمیز از او می‌شود و شرایطی

فراهم می‌شود که در اثر آن، دیگران آن‌چه را که صاحب آن قدرت می‌خواهد، می‌خواهند! (برزنونی، ۱۳۸۶، ص. ۵).

دو مفهوم قدرت سخت و قدرت نرم، به هم مرتبطند. در واقع، دو قطب از زنجیره قدرتند که هر کدام جنبه‌هایی از توانایی دستیابی به اهداف مورد نظر را برآورده می‌سازند.

در قدرت نرم، شکل امرانه قدرت سخت که مبتنی بر رفتارهای فرماندهی (نای، ۲۰۰۴، صص. ۷-۸) و با تهدید عینی مبنی بر «مداخله نظامی»، «دیپلماسی قهرآمیز»^۲ و «تحریم‌های اقتصادی»^۳ با سیاست‌های تقابلی در مقابل کشور دیگر همراه بود، تبدیل به «قدرت متقاعدکننده» مبتنی بر رفتارهای متقاعدگرانه می‌شود (نای، ۲۰۰۴، صص. ۷-۸). بر ارزش‌های مشترک سیاسی^۴، ابزارهای مسالمت‌آمیز و همکاری‌های اقتصادی^۵ تأکید می‌ورزد (واگنر، ۲۰۰۵، صص. ۱-۲). از این رو، اطلاعات، شبکه‌های اطلاع‌رسانی، رسانه‌ها و زیرساخت‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی، ابزار مهم قدرت نرم در عصر اطلاعات هستند که توانایی متقاعدکنندگی و جاذبه‌آفرینی دارند.

براین اساس، قدرت نرم، «توانایی شکل‌دهی ترجیحات و اولویت‌های دیگران» و «قدرت جذب‌کنندگی آنان» است که با مقوله‌های نامحسوس و غیرملموس نظیر جاذبه‌های شخصیتی، فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذاب مرتبط است (نای، ۲۰۰۴، صص. ۶-۷). از ابزار متفاوت نوینی برای ایجاد «جذابیت»، «تصویرسازی ذهنی» و «ترغیب و تهییج عمومی» بهره می‌برد تا بدون نیاز به بحث و استدلال «نتایج مطلوب» به دست‌آید؛ یعنی کاری

1. Military Intervention
2. Coercive Diplomacy
3. Economic sanctions
4. Common Political Values
5. Wagner

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۲۷

می‌کند که دیگران رضایت‌مندانه «همان چیزی را بخواهند که فرد صاحب قدرت می‌خواهد.» در نگاه جوزف نای، توانایی به دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن به جای اجبار یا امتیاز است (نای، ۲۰۰۴، ص. ۲).

قدرت نرم، دیگران را به تبعیت از هنجارها و نهادهای مورد نظر یا موافقت با آن‌ها قانع می‌کند. بنابراین، به‌طور گسترده‌ای متکی بر قدرت اقناع و متقاعدسازی از طریق ارائه اطلاعات فراوان و جهت داده شده است. در واقع، قدرت نرم با استفاده از ارتباطات، اطلاعات، انفورماتیک، الکترونیک، رسانه‌های دیجیتالی، ماهواره‌ها، ابررسانه‌های خبری، اینترنت، مطبوعات، امواج رادیویی و تلویزیونی، به تبلیغات گسترده در جهت متقاعد کردن رقیب یا دشمن و تغییر نگرش او دست می‌زند.

وجه مشخصه اصلی قدرت نرم با پویایی، فراگیری و ظرفیت وسیع رقابتی که آن را از سایر قدرت‌ها متمایز می‌کند، همین متقاعد کردن رقیب و قدرت جذب کردن او است که با شیوه‌ای کاملاً متفاوت در ابزار متقاعدکنندگی و جذابیت در عصر اطلاعات^۱، عصر ارتباطات و عصر موسوم به حاکمیت جریان آزاد اطلاعات^۲ اهمیت فراوان یافته است. «قدرت نرم» با معنای غربی آن و در نگاه تئوریسین آن جوزف نای^۳، به‌نوعی همان امپریالیسم فرهنگی است که از طریق نرم‌افزارگرایی در بسط «هژمونی فرهنگی» خود می‌کوشد.

1. Information Age
2. Free Flow of Information
3. Joseph Nye

منابع قدرت نرم در هر کشوری از سه منبع نشأت می‌گیرد: بخش‌های جذاب فرهنگ، ارزش‌های سیاسی مورد انتظار و سیاست‌های خارجی مشروع و اخلاقی (نای، ۲۰۰۴، صص. ۷-۸).

فرهنگ، منبع اصلی قدرت نرم است که به‌نوعی بستر ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های هر کشوری نیز محسوب می‌شود. اگرچه تاریخ پیدایی این نوع قدرت مربوط به زمان‌های بسیار دور است، اما ادبیات مکتوب در این زمینه، جدید است. توصیف و تبیین جوزف‌نای تئوریسین اصلی قدرت نرم در آمریکا از جمله تلاش‌های جدید در باره بررسی این مفهوم نوین در عصر انفجار اطلاعات است.

قدرت نرم در سه سطح راهبردی؛ سطح قدرت نرم نخبگان و رهبران هر کشور، سطح میانی؛ سطح قدرت نرم عموم مردم و نیز سطح عملیاتی و تاکتیکی؛ سطح قدرت نرم نیروهای مسلح یک کشور مطرح شود که در فرصتی دیگر باید تبیین گردد.

۳. ناتوی فرهنگی

در سال ۱۹۹۹ خانم فرانسیس استینر ساندرس^۱، یکی از پژوهش‌گران و روزنامه‌نگاران مشهور انگلیسی، کتاب پژوهشی مهم و مستندی از تحقیقات خویش را در همین زمینه در لندن انتشار داد که جنجال عظیمی به پا کرد. چاپ‌های بعدی این کتاب تحت عنوان «جنگ سرد فرهنگی: سیا و جهان هنر و ادب» در بیش از ۵۰۰ صفحه انتشار یافت (ساندرس، ۱۳۸۲).

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۲۹

خانم ساندرس در اثر خود با اسناد و مدارک زیادی فاش می‌کند که چگونه دولت امریکا توسط سازمان «سیا» طی بیش از نیم قرن گذشته، از طریق استخدام عناصر روشنفکر و دانشگاهی در امریکا و سایر کشورها، به‌عنوان «وزارت فرهنگ بلوک غرب» عناصر اندیشمند بسیاری را به استخدام خود درآورده است.

وی از آنان به‌عنوان «شوالیه‌ها و جنگجویان فرهنگی سیا» نام می‌برد. وی با اسناد و مدارک خود ثابت می‌کند که ده‌ها هزار نسخه از بسیاری از کتاب‌ها و محصولات فرهنگی تولیدی آن‌ها خریداری و در جهان توزیع سراسری شده است. ضمن این‌که سازمان سیا همزمان با این بذل و بخشش‌های هدفمند، طی دوران جنگ سرد، به ترور و کشتار حداقل ۱۵۰ هزار روشنفکر، استاد دانشگاه، رهبر اتحادیه کارگری و کشیش روحانی در کشورهای مختلف اقدام کرده بود که برخی منابع تعداد این دسته از قربانیان «سیا» را حتی تا ۳۰۰ هزار نفر هم برآورد می‌کنند.

نمونه اخیر آن، ترور شخصیت‌های علمی در عراق اشغال‌شده توسط امریکا است تا این کشور را از اندیشمندان خالی کند و روشنفکران دست‌نشانده خویش را برسرکار آورد. اصل این کتاب براساس خاطرات کوردمیر^۱، رئیس بخش عملیات بین‌المللی سیا و دوست او، آرتور شلزینگر^۲ (پسر)، نیز ملوین لاسکی^۳ از اعضای بالای سازمان اطلاعات مرکزی امریکا

1. Cordemier
2. Arthur Schlesinger Jr.
3. Melvin Lasky

«سیا» تنظیم شده است. ایشان حرکتی را آغاز کردند که، به ایجاد شبکه فرهنگی غول‌آسایی در سراسر جهان انجامید. خانم ساندرس این شبکه را «ناتوی فرهنگی» می‌نامد.

بودجه این عملیات در سال ۱۹۵۰، یعنی در زمان دولت ترومن^۱، ۳۴ میلیون دلار در سال بود که سازمان سیا از محل بودجه ۱۲۱ میلیون دلاری تصویری برای اجرای طرح «مبارزه حقیقت» ترومن، که رویه دیگر جنگ فرهنگی بود، برداشت می‌کرد. دولت ترومن با ایجاد «کمیته هماهنگ‌کننده عملیات روانی» به جنگ روانی در امریکا ساختار اداری داد (عاصف، ۱۳۸۴، ص. ۲۷).

لشکر فرهنگی «سیا» و «ناتوا»، به‌طور رسمی به جنگ فرهنگی گسترده با مخالفان خویش مبادرت ورزیدند. سیا با سرمایه عظیم و پشتیبانی‌های دولت امریکا، با ایجاد غیررسمی ناتوی فرهنگی، شبکه مطبوعاتی عظیمی را برای تبلیغات علیه بلوک شرق راه اندازی می‌کند. برای این منظور از همه حربه‌ها استفاده می‌کند و بسیاری از روشنفکران غربی را علیه به اصطلاح خطر کمونیسم به خدمت می‌گیرد (ساندرس، ۱۳۸۲).

تعبیر مقام معظم رهبری از «ناتوی فرهنگی» و توضیح ایشان چنین است: «مجموعه‌ی زنجیره به‌هم‌پیوسته رسانه‌های گوناگون و اینترنت، ماهواره‌ها، تلویزیون‌ها و رادیوها... که در جهت مشخصی حرکت می‌کنند تا سر رشته تحولات جوامع را به عهده بگیرند... این‌ها صهیونیست‌ها و سرمایه‌دارها هستند و عمدتاً هم در امریکا و در اروپا می‌باشند. همان شبکه و

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۳۱

همان ناتوی فرهنگی در مجموعه‌ی خود، بسیاری از این دانشمندان، متفکران، هنرمندان، ادبا و امثال این‌ها را هم دارد. «خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

براساس موارد فوق و تعبیر و توضیح مقام معظم رهبری، منظور از ناتوی فرهنگی عبارت است از: «سازمان فرهنگی بلوک غرب در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، برای به‌دست‌گرفتن سررشته تحولات جوامع و سیطره بر منابع انرژی و مناطق حیاتی و ژئوپلیتیک جهان با هدف تحقق پروژه جهانی کردن فرهنگ و ایده نظم نوین جهانی از طریق ترویج فرهنگ و الگوهای رفتاری لیبرال-دموکراسی و هدم مبانی و تخریب بنیان‌ها و هویت‌های فرهنگی معارض و مبارزه با نهضت بیداری اسلامی».

براین اساس، ماهیت فرهنگی ناتو، از رویکرد نظامی آن خیلی جدا و متفاوت نیست. ماهیت فرهنگی ناتو صورت تکامل یافته و رشد داده شده و بالغ همان ناتوی سابق است که جنبه نظامی‌گری^۱ آن، جزئی کوچک و بخشی خرد از حرکت کلان نظام سلطه برای تضمین «آینده برای خود» است. در این رویکرد، ابزارهای پیشرفته ارتباطاتی و اطلاعاتی، رسانه‌ها و جذابیت‌های هنری، سربازهای ناتو محسوب می‌شوند که با پشتیبانی قدرت اقتصادی به نبرد با اندیشه مقاوم در مقابل نظام سلطه مشغولند و برای تخریب پایه‌ها و بنیان‌های فرهنگی و ایدئولوژی کشورهای معارض با نظام سلطه و مقاوم در مقابل آن می‌کوشد و در این راه، از ابزاری نظیر تحریم اقتصادی نیز بهره می‌برد. ناتو از ماهیت نظامی خود نیز غافل نشده است که

نمونه‌های آن در افغانستان و بعد از آن عراق و نیز پشتیبانی تام و تمام از جنگ ۳۳ روزه را در اوایل سال ۱۳۸۵ در لبنان می‌توان دید.

به هر حال، رویکرد اصلی ناتوی فرهنگی، جنگ نرم و هدف اصلی آن نیز نابودی فرهنگ و هویت ملی جوامع، به ویژه مقابله با ایمان انسان‌هایی است که مصرند از هویت ملی و دینی خود شرافت‌مندانه دفاع کنند. پشتیبانی اقتصادی و چاشنی عملیات نظامی و روانی حمایت‌گر آن رویکرد اصلی است.

۴. ویژگی‌های ناتوی فرهنگی

ویژگی‌های ناتوی فرهنگی در عصر استعمار فرانو بسیار است. «غیررسمی و غیرمستقیم‌بودن با آثار غیرملموس»، «نامرئی، پنهان، غیر آشکار و نامحسوس»، «پایداری نسبی»، «نبود تحمیل سیاست خارجی و داخلی»، «وجود روابط ظاهری رسمی و تشریفاتی بین دولت استعماری با دولت‌های تحت سلطه»، «به‌کاربردن گستردهٔ واژه‌ها و شعارهایی با مفاهیم مبهم و تفسیر خاص غربی مثل دموکراسی، حقوق بشر، جامعهٔ مدنی، آزادی و...»، «طرح شعار جهانی‌سازی با هدف یکسان‌سازی یا غربی‌سازی و قداست‌زدایی»، «ترویج سکولاریسم یا ضدیت با دین به‌ویژه اسلام»، «طرح خاورمیانهٔ بزرگ»، «تلاش برای استحالهٔ فرهنگی» و «بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی^۱ و تبلیغات فراگیر جمعی و وسایل ارتباط جمعی به جای دیپلماسی رسمی» از آن جمله است (برزنونی، ۱۳۸۵).

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۳۳

توضیح همه ویژگی‌ها مفصل است. در این جا فقط دو عنوان از این ویژگی‌های مهم آن توضیح داده می‌شود. منظور از «دیپلماسی عمومی»، حفظ منافع ملی قدرت استعماری از طریق وسایل ارتباط جمعی به منظور اطلاع‌رسانی ویژه و هدفدار سیاست‌های موردنظر خود برای تأثیرگذاری بر مخاطبان و گسترش گفتگو میان شهروندان و نهادها و سازمان‌های غیردولتی دو کشور است که در سطح ملی هم برکات و هم آسیب‌ها و آفاتی دارند.

امریکا در جنگ موسوم به خلیج فارس از جنبه اطلاعاتی و خبری، دنیا را تحت پوشش خود درآورد. استعمار فرانو بیش از همه زیرساخت‌های اطلاعاتی، ارتباطاتی و رسانه‌های کشورهای دیگر را هدف قرار داده است تا مغزها را با روش‌های اجتماعی کنترل نماید.

اهمیت و نقش استراتژیک کلیه رسانه‌ها به‌ویژه فناوری‌های جدید ارتباطی، اطلاع‌رسانی و تبلیغی را در این زمینه نمی‌توان نادیده گرفت. عصر انفجار اطلاعات و ظاهراً مبادله اطلاعاتی و تبادل میان به اصطلاح کارشناسان و... که باید در واقع آن را جریان یک‌سویه انتقال اطلاعات نامید و نه تبادل. مسیر یک‌سویه‌ای که اطلاعات خاص با حجم و تنوع داده‌های اطلاعاتی هدفمند را به کشور هدف سرازیر می‌نماید. نوعی تهاجم شتاب‌آلود فرهنگی، هنری و تبلیغی برای استحاله فرهنگی کشور هدف که براساس آن، اجازه تبادل دوسویه اطلاعات، خارج از چهارچوب‌های پذیرفته‌شده خود داده نمی‌شود.

برای نمونه، مردم ایران و نه دولت جمهوری اسلامی ایران مورد خطاب قرار می‌گیرند، آن هم با لحنی مهربان و آمیخته با دلسوزی همراه با هجوم تبلیغاتی برای در دست‌گرفتن افکار عمومی و خواسته‌های جمعی و متأثرسازی آن و در نتیجه، تغییر فکر با بمباران تبلیغاتی صورت

می‌پذیرد. نمونه اخیر آن جوسازی علیه شرکت مردم در راه‌پیمایی ۲۲ بهمن ۱۳۸۶ و نیز جوسازی علیه شرکت مردم در انتخابات اسفند سال جاری است.

با دیپلماسی عمومی به‌عنوان، ابزار قدرت سیاسی و امنیتی استعمار، برای اعمال سیاست‌های خاص و تأمین منافع ملی کشور سلطه‌جو اقدام می‌شود. دیپلماسی عمومی در واقع، نوعی از الگوی «جنگ نامتقارن»^۱ و «جنگ روانی» است. با این نوع از نبرد غیرمستقیم، که برای دوران طولانی و درازمدت سازماندهی می‌شود، ساختار نظام مورد هدف نابود می‌گردد و در فرهنگ آن استحاله ایجاد می‌شود. آخرین نکته این‌که، بهره‌گیری از تکنیک‌های نرم‌افزاری در این عرصه به وفور است. دولت امریکا بعد از جنگ سرد، از منابع نرم قدرت بهره‌گیری فراوان دارد که در نتیجه، پیامدهای خاصی را برای هویت امنیتی و فرهنگی کشورهای مخاطب همراه داشته و دارد. منابع نرم قدرت را می‌توان عبارت از: فرهنگ امریکایی، نظام اقتصادی لیبرال و نیز شبکه‌های جهانی اطلاع‌رسانی دانست (حسینی، ۱۳۸۳، ص. ۲۲۲).

از سوی دیگر، در استعمار فرانونین، استحاله فرهنگی ایجاد می‌شود. منظور ترویج فرهنگ و ارزش‌های غلط خود و تعمیم ناپه‌جای استانداردهای مادی، غیرمعنوی و ضددینی برای همه جهان است. بدین منظور، یکی از راهکارهای اساسی آنان این است که با مراکز آموزشی و فرهنگی غیردولتی ارتباط برقرار گردد تا تحول موردنظر آنان در برنامه‌های آموزشی و نیز تغییر نظام ارزشی و باورهای دینی کشور هدف صورت پذیرد. این استحاله از طریق انگاره‌سازی و تصویرسازی سمعی، بصری و مکتوب توسط فیلم‌ها، رمان‌ها و... نیز صورت می‌پذیرد.

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۳۵

براساس نظر ادگار شاین^۱، فرهنگ شامل سه‌بخش اساسی است: مفروضات اساسی و زیربنایی یا باورها، ارزش‌های حمایت‌شده و مصنوعات و دست‌ساخته‌ها (رفتارها) (شاین، ۱۳۸۳، ص. ۳۸). در استحالته فرهنگی سه‌عنصر در معرض حمله قرار می‌گیرند تا جایگزینی مورد خواست کشور استعمارگر صورت پذیرد. فرهنگ غرب حامل ابتذال و امور ضد ارزشی و غیراخلاقی است و درنهایت، چنین راه و روشی به حذف دین از متن زندگی بشر منتهی می‌شود و ارمغانی جز بی‌بند و باری و بروز رفتارهای ناهنجار نخواهد داشت.

۵. اهداف اصلی غرب از ناتوی فرهنگی

در یک بررسی ساده، می‌توان اهداف اصلی غرب از ناتوی فرهنگی را به شرح زیر مطرح کرد. نگاه ما در این جا کلی و ناظر به اهداف اصلی ناتوی فرهنگی است که در کشورهای مختلف متناسب با ویژگی‌های آن کشورها، صورت عملی متفاوتی به خود می‌گیرد:

۱. سکولاریزه کردن یا عرفی‌سازی حکومت‌های کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی؛
۲. ایجاد چنددسته‌گی، تقابل، تضارب و اختلاف و شکاف در جهان اسلام و درنهایت، جنگ بین قوای اسلامی؛
۳. مادی‌سازی فرهنگ و جایگزین کردن آن به جای فرهنگ بومی ملت‌های اسلامی که با داشتن فرهنگ جهاد و شهادت، سد مقاومتی در برابر نفوذ فرهنگ غرب و استیلای امریکا است؛
۴. جلوگیری از نفوذ رقبا و تسلط بر اقتصاد و بازار؛

۵. تجزیه دنیای اسلام و جلوگیری از اتحاد آن‌ها؛

۶. مبارزه با بیداری اسلامی، به ویژه فشار بر طرفداران اسلام سیاسی و انقلابی، که به تعبیر

استراتژیست‌های امریکا «تهدید سبز» به جای «تهدید سرخ» توسط کمونسیم است؛

۷. منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران، به عنوان سرمنشأ بیداری اسلامی در میان ملل مسلمان؛

۸. فراموشی آرمان بزرگ ملت فلسطین؛

۹. ایجاد امنیت مطلق برای رژیم صهیونیستی و رسمیت یافتن اسرائیل در جهان و گسترش نفوذ

آن از مغرب تا اندونزی؛

۱۰. کنترل و دسترسی آسان به نفت منطقه ثروتمند و استراتژیک خلیج فارس و تسلط بر آن

که، از یک منطقه مهم در ساختار نظام دوقطبی به منطقه‌ای محوری و مرکزی در نظام جهانی

تبدیل شده است. نظم جهانی با عنایت به رخدادهای این قسمت از کره خاکی، تعریف،

استقرار و استمرار می‌یابد (مؤسسه واشنگتن، ۱۳۸۰).

۶. راهبردهای ناتو برای جهان اسلام و ایران اسلامی

راهبردهای ناتوی فرهنگی ویژه جهان اسلام و جمهوری اسلامی ایران با استفاده از برتری‌های

سیاسی، اقتصادی و فن‌آوری‌های نوین ارتباطاتی، اطلاعاتی و رسانه‌ای برای ساختار شکنی و

جایگزینی ساختار مطلوب در راستای تثبیت منافع غرب در جهان اسلام به شرح زیر است:

۱. تخریب بنیان‌های فکری و اعتقادی و مخدوش کردن چهره تابناک دین مبین اسلام و چهره

مبارک پیامبر اعظم (ص) از طریق رمان‌ها، فیلم‌ها و کاریکاتورها و معرفی کردن دین اسلام به

عنوان طرفدار خشونت و تروریسم.

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۳۷

۲. فشار به جمهوری اسلامی ایران برای تغییر استراتژی و تلاش برای تعدیل و مهار قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه.

۳. فعال کردن گسل‌های قومی - مذهبی در محیط ملی کشور و نیز ایجاد اختلاف، چنددسته‌گی و تقابل و نهایتاً درگیری بین اقوام و مذاهب گوناگون هم در بعد ملی و هم در سطح جهان اسلام.

۴. اعمال محدودیت و فشار اقتصادی مانند قطعنامه ۱۷۳۷ و قطعنامه‌های دیگر و تهدیدات در این زمینه.

۵. تخریب چهره کشورهای مستقل و نیز جمهوری اسلامی ایران در محیط جهانی و منطقه‌ای با بهره‌گیری از استعارات قوی و تأثیرگذار، اما ناخوشایند، توهین‌آمیز و ناپسند به کلیت کشور و افراد صاحب نفوذ در جهان اسلام با انتخاب نام‌هایی با بار هیجانی و شدید برای تأثیرگذاری بر نگرش مخاطبان. مفاهیمی نظیر محور شرارت، تروریست، بنیادگرایی اسلامی، انتخابات فرمایشی، ارتجاع مذهبی، نظام سرکوب‌گر، رژیم توتالیتر، آپارتاید مذهبی و... بخشی از آنها است.

۶. نشان دادن نوعی قدرت مجازی و تهدیدزا از جمهوری اسلامی ایران برای امنیت جهانی و منطقه‌ای.

۷. القای وجود اجماع جهانی نسبت به نظرات آنها در جهان با استفاده از حربه جنگ روانی و نیاز مردم به هم‌رنگی و تمایل آنان به «در اکثریت بودن» برای القای پیام‌های عملیاتی روانی خود.

۸. القای تهدید خطر معجول هلال شیعی برای کشورهای منطقه خاورمیانه.

۹. ایجاد ابهام و تردید در اذهان مردم با ارائه اخبار و اطلاعات ناقص، شبهه‌انگیز و مخلوطی از درست و نادرست در زمینه رهبران و نهادهای جمهوری اسلامی برای القای ناکارآمدی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد شک و شبهه در مورد ارزش‌های دینی و هنجارهای مذهبی.

۱۰. هدایت افکار عمومی با برنامه‌ریزی، تصویرسازی خیری، انگاره‌سازی تصویری و ذهنی و ایجاد فضای ساختگی در راستای اهداف خود.

۱۱. فشار سیاسی و دیپلماتیک علیه جمهوری اسلامی ایران.

۱۲. تهدید نظامی، ارباب و تحریم اقتصادی به روش‌های مختلف از جمله با استفاده از ظرفیت شورای امنیت.

۱۳. حمایت از جریان‌ات و چهره‌های فرهنگی وابسته در داخل ایران و روشنفکرهای وابسته در کشورهای اسلامی.

۱۴. القای گسست بین حاکمیت جمهوری اسلامی و نخبگان کشور ایران.

۱۵. ناموفق جلوه دادن تجربه مدیریتی- سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران و القای ناکارآمدی نظام اسلامی در مدیریت جامعه.

۷. مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب و تقابل با ناتوی فرهنگی

نظام بین‌الملل طی دهه‌های گذشته به‌ویژه پس از پایان دوران موسوم به جنگ سرد، با تغییرات ساختاری و کارکردی عیدیده‌ای روبرو می‌باشد. در نگاه هانتینگتون، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، سه شاخصه محوری جغرافیای سیاسی و محیط استراتژیک را دگرگون کرده است: نخست، ساختار قدرت جهانی؛ دوم، مبانی صف‌آرایی و دشمنی کشورها؛

سوم، الگوی غالب جنگ در جهان (هانتینگتون، ۱۳۸۲).

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۳۹

نظام دوقطبی پیشین که غرب و شرق را در مقابل هم قرار می‌داد و کشورهای اقماری آن‌ها نیز در مدار یکی از دوقطب قرار داشتند، تغییر یافته و نظام چندقطبی با نوعی سلسله مراتب مبتنی بر نقش هژمونیک امریکا به‌عنوان سردمدار مطلق و حاکم مطلق جهان که، عملاً کارکردی تک‌قطبی خواهد یافت، روبرو است. ساموئل هانتینگتون سرشت و ساختار قدرت جهانی در جهان تک-چندقطبی را دارای چهارسطح می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۸۲). در بالاترین سطح، آن ایالات متحده، در همه مؤلفه‌های قدرت برتری دارد. در سطح دوم نیز قدرت‌های عمده منطقه‌ای قرار دارند که در بخش‌هایی از جهان، بازیگرانی بانفوذند؛ هرچند گستره منافع و قدرتشان به گستردگی منافع و قدرت جهانی امریکا نیست. در این سطح جامعه اروپا، روسیه، چین، هند، ایران، برزیل و پاره‌ای از این کشورها قرار دارند. روشن است که، اهمیت فعالیت و دامنه نفوذ این کشورها بسیار متفاوت است. سطح سوم را نیز قدرت‌های متوسط منطقه‌ای تشکیل می‌دهند که نفوذ آن‌ها در مناطقتشان، کمتر از نفوذ قدرت‌های عمده منطقه‌ای است. سرانجام، بقیه کشورها در سطح چهارم قرار می‌گیرند که برخی از آن‌ها با دلایل گوناگون به‌واقع مهم هستند، اما در مقایسه با کشورهایی که در سه سطح بالاتر قرار گرفته‌اند، نقشی خاص در ساختار قدرت جهانی ندارند.

درست است که مناسبات بین‌المللی همواره بر پاشنه قدرت چرخیده، ولی همیشه به یک‌شکل نبوده است، بلکه در فرایند قدرت، موضوعات بسیاری مطرح بوده است. در دوران جنگ سرد، ایدئولوژی سیاسی-اقتصادی در قدرت نقش داشت و اکنون فرهنگ است که در شکل‌دادن به هویت‌ها، تعلقات و دشمنی‌های مردم و دولت‌ها، جای ایدئولوژی را گرفته است. به تعبیر هانتینگتون، مردم نقاط مختلف جهان، هویت خود را در نژاد و تبار، مذهب، زبان، تاریخ، ارزش‌ها،

سنت‌ها و نهادها تعریف می‌کنند و در وابستگی به گروه‌های فرهنگی چون قبایل، گروه‌های قومی، جوامع دینی، ملیت‌ها، و در سطح گسترده‌تر، تمدن‌ها شناخته می‌شوند (هانتینگتون، ۱۳۸۲).

ازسوی دیگر، پیشرفت‌های عظیم دهه‌های اخیر در حوزه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، که عصر ما را به عصر انفجار اطلاعات تبدیل کرده است، متغیرها و مؤلفه‌های تأثیرگذار نوین بر فرایندهای بین‌المللی را افزایش چشم‌گیری داده است. برای نمونه، ورود عنصر مهم «افکار عمومی» در صحنه ترتیبات جهانی با نقش بسیار تصمیم‌سازی که در حکومت‌ها یافته است، معنای قدرت را نیز دگرگون کرده است. اگر تاکنون عنصر سخت‌افزاری برای قدرت مهم بود. درحال حاضر، عنصر نرم‌افزاری اهمیت شایان توجهی یافته و اینک «قدرت نرم» بخش مهمی از توانمندی و قدرت ملی هر کشور را تشکیل می‌دهد که سیاست خارجی هرکشوری در معادلات جهانی و بین‌المللی خود باید از آن بهره گیرد.

پیدایش انقلاب اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم، که انقلابی از جنس دیگر بود، خود قدرت نرمی محسوب می‌شود که آن را از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌سازد. بی‌تردید ظهور انقلاب اسلامی به رهبری پیر عرفان معاصر، احیاگر میراث عظیم اسلامی در جریان امروز، مرد قرن، حضرت امام خمینی (ره)، که علی‌رغم سیطره ظاهری تمدن مادی غربی در جهان امروز، انقلابی را به نام دین و حکومتی را با حاکمیت دین برقرار ساخت، خود از جمله مظاهر جدی قدرت نرم ایران عزیز محسوب می‌شود. قدرت نرم‌افزاری این انقلاب مبارک، در مقابل چهره سخت‌افزاری تمدن جدید صف‌آرایی کرد و درنهایت، با پیروزی شکوهمندانه، نقاط قوت بسیاری را در اختیار ملت خداجوی ایران نهاد. این انقلاب، موجب بیداری سراسری اسلامی

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۴۱

در کشورهای مختلف شد و حتی شاهد بیداری ملل مستضعف در قلب قاره آمریکا هستیم. انقلاب مبارک اسلامی ما مولود قدرت نرم و مبتنی بر آن بود.

حضرت امام خمینی(ره) با استفاده از قدرت مردم و با تکیه بر ایمان مردم و ظهور واژه‌هایی جدید نظیر مستضعفان، جنگ بین فقیر و غنی، نبرد میان راحت‌طلبی و جهاد، نظم قدیم را از بین برد و نظم نوینی را در جهان معاصر حاکم کرد که منبع قدرت آن، ایمان توده‌های مردمی بود. «پیوند عرفان و معنویت و سیاست» در این انقلاب چنان بود که تز جدایی دین از سیاست را طرد کرد. عرفان امام، با حماسه او پیوند خورد. از سوی دیگر، نگاه ویژه او به نقش مردم به‌عنوان قوه اجرای مقاصد مدبرانه عالمان دینی، «اعتقاد راسخ و صادقانه امام به نقش مردم» را در جامعه نشان می‌داد. همان نگاهی که، در دوران رهبری نظام اسلامی نیز بر آن تأکید تام و تمام داشت و میزان را رأی ملت خواند. او از نگاه داخلی گذر کرد. انقلاب خود را انقلاب اسلامی نامید و نه انقلاب ایرانی! او رویکردی «بین‌المللی و جهانی» داشت و با این رویکرد جهانی که حکایت از مأموریت ویژه پیامبرانه برای تمام جهان داشت، جای خود را در دل ملت‌های محروم و مستضعف باز کرد.

«پاسداری او از ارزش‌های انسانی و اسلامی»، همراه با ارائه شجاعانه و روایت نوین از نظریه کهن «ولایت فقیه» او را رهبری برای تمام عصرها و نسل‌ها کرد. تکیه و تأکید آگاهانه حضرت امام بر «عدالت اجتماعی»، فرمان قسط قرآنی را که یکی از اهداف بعثت پیامبران بزرگوار بود، تداعی می‌کرد. او اسلام تجسم و مجسمه اسلام بود. او معنویت را با سیاست و عدالت همگام ساخت و آن‌ها را به‌عنوان ابزار مهم قدرت نرم خویش برای پیروزی انقلاب و

تداوم آن به کار برد. همان نگاه و باور، باز هم باید به مدد آید و درمقابل تهدیدات نرم دشمن، به خنثی سازی آن‌ها رو آورد و «امنیت فرهنگی» را برای جامعه به ارمغان آورد.

ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی ایران، ماهیت آن را با دیگر انقلاب‌هایی که تحت عنوان انقلاب مشهور شده‌اند، متمایز می‌سازد. به کارگیری عنصر «دیانت» درکنار «سیاست»، استفاده از «معنویت» درکنار «درایت»، بهره‌گیری از «عرفان» درکنار «حماسه» و تکیه بر «مردم» با توکل بر «خدا»، حساب این انقلاب را از دیگر انقلاب‌ها جدا ساخت.

به نظر می‌رسد، می‌توان مؤلفه‌های مهم قدرت نرم در انقلاب اسلامی را، که مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب را سامان می‌دهد، به شرح زیر برشمرد:

۱-۸ مردمی بودن همراه با صبر و استقامت برخاسته از دیانت خاتم؛

انقلاب اسلامی ایران، «ماهیت مردمی» داشته و دارد. نقش اصلی در این انقلاب به عهده مردم همیشه در صحنه بود و هست که با رهبری فرزانه مقام معظم رهبری، هم‌چنان استمرار دارد. جمهوری اسلامی، به معنای اقامه حاکمیت همه مردم است تا خود، در تعیین سرنوشت خویش دارای نقش باشند (قانون اساسی، ۱۳۷۵، ص. ۱۲). تفاوت نقش مردم در این نظام با سایر نظام‌های مردم‌سالار، در این است که این نقش مشارکتی، در حاله‌ای از تقدس پیچیده می‌شود. تقدسی که از اسلام و فرامین منبعث از شرع برخاسته است. مشارکت مردم در این انقلاب، از سنخ مشارکت آنان در دیگر انقلاب‌ها نیست. این مشارکت، همراه با آگاهی و تعهد دینی است. اساساً تعهد دینی و تکلیف شرعی است که، موجب الزام عقلانی آنان در این مشارکت عظیم و همه‌جانبه است. این تعهد ریشه در این سخن پیامبر اعظم (ص) دارد که: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت» همین الزام متعهدانه بود و هست که آنان را با روحیه استقامت در

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۴۳

عرصه‌های گوناگون به‌صحنه کشانیده است. همراهی‌های بی‌شائبه مردم شریف ایران در دوران پرافتخار هشت‌سال دفاع مقدس و صبر و استقامت آنان، از همین الزام مقدس برخاست. حضور آگاهانه و سرافراز مردم شریف در شرایط مختلفی که انقلاب، حضور آنان را نیاز داشت و دارد، حکایت از نگاه دینی به این حضور و مشارکت مردمی است. حکومت مردم‌سالار دینی، با همین داعیه، نوعی حرکت نو در صحنه سیاسی و بین‌المللی جهان معاصر و مهم‌ترین مؤلفه قدرت نرم ایران عزیز است. حکومتی مردمی که برای مردم، نقش و اهمیتی تعیین‌کننده قایل است. این نقش، برخاسته از اسلامی بودن این نظام است. مردم در نظام مقدس جمهوری اسلامی، نقشی عظیم و فوق‌العاده تأثیرگذار دارند. باید تلاش کرد و برای حضور گسترده مردم در عرصه‌های مهم سیاسی و اجتماعی جامعه، برنامه‌ریزی درست داشت. اساساً رویه غیرسخت امام در جریان انقلاب و پیروزی آن و تکیه بر مردم بدون سلاح و تشکیل بسیج مردمی، مؤلفه بزرگ قدرت نرم انقلاب اسلامی است.

۲-۸ شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و مقبولیت آن نزد آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان جهان:

انقلاب اسلامی ایران، با شعارها و آرمان‌های بزرگی آغاز یافت و با همان‌ها تداوم می‌یابد. این انقلاب، در دل خود «اصلاحات اساسی» را به‌دنبال داشته و دارد. این آرمان‌ها و اصلاحات از مقوله اصلاحاتی است که، دین خاتم بر آن‌ها صحه گذاشته است. همان حرکتی که اباعبدالله الحسین (ع) را به قیام علیه فساد مسلط حاکم فراخواند، در هر زمان و مکانی قابل تجدید است. همان اصلاحاتی که، علی (ع) پس از «حضور حاضر» و «وجود ناصر» بر آن‌ها تأکید ورزید (نهج البلاغه، خ ۳). این اصلاحات اساسی، روندی درازمدت خواهد داشت که با تکیه بر آموزه‌های دینی و

ارزشی، رفاه مناسب و توسعه انسانی درست و معنویت دینی را به‌ارمغان خواهد آورد. این اصلاحات، با توجه به هدف متعالی انقلاب و حرکت مستمر در سیر آن، عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علمی را در بر می‌گیرد. هنوز هم انقلاب اسلامی و اصلاحات برآمده از آن ادامه دارد. اصلاحات، یک فرایند است. فرایندی که در پروسه نظر و عمل اتفاق می‌افتد و قطعاً نیازمند بازگشتی دوباره به نگاه انقلابی در همه عرصه‌ها است.

از سوی دیگر، مقبولیت شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی نزد آزادی خواهان و عدالت طلبان جهان و بیداری حاصل از آن در میان ملل مستضعف، حکایت از نفوذ نرم افزاری این انقلاب و آرمان‌های متعالی انسانی در نظام بین‌الملل دارد و این نفوذ قدرتمندانه، «قدرت نرم‌افزاری» انقلاب اسلامی است.

۳-۸ اسلامی بودن؛

ماهیت ذاتی انقلاب مردم ایران، «اسلامی» است. (قانون اساسی، ۱۳۷۵، ص. ۷). به عبارت دیگر، روح و ماهیت آن، مذهبی بود و هست. البته، منظور این نیست که نظام انقلابی ایران به رفاه مردم و توسعه مادی زندگی توجهی ندارد. پرداختن به رفاه مادی و توسعه امور زندگی مردم، از ضروریات هر نظامی است که می‌خواهد مقبولیت خود را پاس‌دارد. اما فراموش نکنیم که انگیزه و اثر نباید با هم خلط شود. انگیزه انقلاب ما، رفاه و توسعه نبود، انگیزه ما پاس‌داشت ارزش‌های دینی بود؛ هم‌چنان‌که انگیزه علی(ع) پس از روی آوردن مردم به او، همین بود. ما معتقدیم کلید رسیدن به رفاه، پیشرفت و سعادت، فرمانبرداری از فرامین الهی است. دین اسلام، هم نگاه به دنیا و هم نگاه به آخرت دارد. ما به تمامیت اسلام و کامل‌بودن این دین

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۴۵

خاتم برای اداره زندگی بشر جدید در دنیای جدید معتقدیم. اسلامیت انقلاب، بزرگ‌ترین مؤلفه قدرت نرم آن است.

۴-۸ خودباوری؛

بیدار کردن روح غیرتمندی و «خودباوری» مردم، یکی از ویژگی‌های جدی انقلاب اسلامی ایران بود و هست. ایرانی باور کرد که «می‌تواند» و باید خود باختگی را کنار بگذارد و با خوداتکایی، روی پای خود بایستد. سخن دقیق و ظریف بنیانگذار انقلاب اسلامی در آن زمان این بود: «ما می‌توانیم». همین باور موجب حرکت‌های خودکفایی در عرصه‌های گوناگون دوران جنگ و سازندگی شد که در جای خود باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. باید «راه‌های میان‌بر» در همه عرصه‌ها، به‌ویژه در عرصه‌های جنبش نرم‌افزاری و تولید علم را پیدا کرد. نباید فکر کرد که راه پیشرفت جامعه در ابعاد مختلف، همان است که دیگران رفته‌اند.

۵-۸ رهبری الهی؛

کیفیت رهبری الهی این انقلاب نیز از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد آن در دوران معاصر است؛ دورانی که دین به انزوا کشیده شده بود و علم فارغ از دغدغه‌های وحیانی، کوس رهبری جهان را سر می‌داد، مردی به پاخاست و با شعار دین و ارزش‌های فراموش‌شده انسانی، آدمیان را به «نگاهی دیگر» فراخواند. نگاهی که در آن، توجه به دین به عنوان پاسخگوی همیشگی نیازهای عام و فراگیر بشری با رویکردی ویژه همراه بود.

سرآقبال دوباره بشر معاصر در دنیای جدید به دین و معنویت، یکی از پیامدهای همین نگاه زیبا، متعالی و کمالی به دین شریف بود. رهبری معنوی حضرت امام و مقام معظم رهبری

در کنار رهبری سیاسی در جریان انقلاب و دوران دفاع مقدس، یکی از مؤلفه‌های اساسی قدرت نرم ایران عزیز محسوب می‌شود.

۶-۸ عدالت محوری؛

شعار ویژه انقلاب اسلامی، عدالت بود و هست. انقلاب ما مبتنی بر «احیای عدالت اجتماعی» و فراگیر کردن آن در میان آحاد مردم جامعه است. عدالت، مفهومی مقدس، متعالی و در عین حال، پر رمز و راز است. پیام عدالت، پیام همه انبیای عظام الهی است. ذات اقدس الهی، پیامبران خویش را با دلایل روشن فرستاد و همراه آنان، کتاب و میزان را فر فرستاد تا با رهبری آنان، مردم خود به احیای قسط و عدالت برخیزند. «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط.» (سوره حدید: آیه ۲۵).

این شعار حماسی، هرگز به فراموشی سپرده نمی‌شود. عدالت، آرمان دینی و شعار ویژه اسلام است. مراد از عدالت محوری، استفاده از همه ظرفیت‌های جامعه برای تحقق دولت مکتب‌های و رسیدگی به معیشت عمومی مردم است.

۷-۸ آزادی خواهی: آزادی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی بود و انقلاب، همراه خود «آزادی» را به ارمغان آورد. مراد از آزادی، معنای معقول آن است که قطعاً با هرج و مرج و نیز معنای لیبرالیستی آزادی متفاوت است. آزادی در لیبرالیسم، به معنای آزادی امتحان کردن همه چیز و آزادی از هرگونه قید و بندی است. دین، به‌طور طبیعی، برخی قید و بندها را با خود همراه می‌آورد. محرمات شرع مقدس اسلام و منهیات شارع مقدس، مواردی است که موجب برخی قید و بندهای معقول است. دین از پیش به ما می‌آموزد که این قبیل موارد را نباید امتحان

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۴۷

کرد. به تعبیری دین، امتحان ناکرده، پاسخ برخی از سؤالات را می‌دهد. پس نباید سراغ منهیات و محرمات شرعی و عقلی رفت. آرمان آزادی خواهی، فقط آرمان نیست که مقصد مبارک نیز هست و این آرمان مبارک، قدرت نرم‌افزاری بسیاری را برای انقلاب به‌دنبال دارد و همه آزادی خواهان و به استضعاف کشیده شدگان علاقه‌مند را بر محور آن گرد می‌آورد.

۹. لوازم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

و اینک چند تذکر مهم به‌عنوان لوازم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در مقابله با ناتوی فرهنگی غرب ارائه می‌گردد:

۹-۱. لزوم آسیب‌شناسی انقلاب

یکی از ضرورت‌های انقلاب اسلامی، بحث آسیب‌شناسی است. آسیب‌شناسی انقلاب، ما را از آفاتی که ممکن است آن را از مسیر صحیح آن منحرف کند، باز می‌دارد. در بحث از آسیب‌شناسی، توجه به علل پدیدآورنده انقلاب مهم است. همان علل، علت‌های بقا و پایداری انقلاب نیز هست. از جمله، سه رکن اصلی بقا و تداوم انقلاب اسلامی ایران، «عدالت اجتماعی»، «استقلال و آزادی» و نیز «معنویت اسلامی» است (مطهری، ۱۳۶۱، ص. ۱۱۴). این ارکان، از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی است. بی‌توجهی به این ارکان، زیبنده نبوده و نیست. فراموشی این ارکان، از آسیب‌ها و بلکه از انحرافات است که باید از آن برحذر بود.

۹-۲. توجه به شرایط ویژه انقلاب

شرایط انقلاب اسلامی ما در حال حاضر، ویژه است. در جهان معاصر، از یک سو، آرمان‌های انقلاب اسلامی جای خود را در دل‌های حقیقت‌جویان گشوده است و از دیگر سو، دشمنان اسلام تلاش همه جانبه‌ای را برای محو و نابودی این روزنه امید آغاز کرده‌اند. مخاطرات سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و... از همه سو این انقلاب را تهدید می‌کند. القای ناکارآمدی نظام سیاسی دینی، مخالفت سیاسی با حقوق مسلم ملت درباره انرژی هسته‌ای، محاصره اقتصادی، حضور نظامی دشمنان در نزدیکی مرزهای کشور اسلامی، ترویج فساد و القای شبهات و... چه باید کرد؟ به‌راستی وظیفه ما چیست؟

برای این منظور، شناخت الگوهای دینی نظام از جمله، سیره پیامبر(ص)، علی(ع)، حسین(ع) و سایر ائمه معصوم(ع) در ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و... از ضروریات است.

اسلام خواهی، معنویت دینی، ولایت‌مداری، وحدت، سازش‌ناپذیری در مقابل استکبار، خودباوری و استقلال فکری، توجه به منافع ملی بر مبنای مصالح ملی، روشن‌بینی و دشمن‌شناسی، اثبات کارآمدی نظام اسلامی در عمل، امید به آینده و خوش‌بینی، حضور و ایستادگی در صحنه‌های لازم، نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر، عمل به تکلیف دینی، رعایت ساده‌زیستی همگانی و پرهیز از تجمل‌گرایی به‌ویژه برای مسئولان، جلوگیری از نفوذ منحرفان و به‌تعبیر امام(ره) ناهالان و نامحرمان (امام خمینی، ۱۳۷۲، ص. ۹۷) در مراکز تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و نیز کاربردی نظام، حفظ پشتوانه مردمی، توجه به تعلیم و تربیت دینی، مقابله درست و نظام‌مند با تهاجم فرهنگی دشمن، توجه ویژه به بسیج به عنوان سرمایه عظیم ملی و یادگار امام راحل(ره)، توجه ویژه به کودکان، نوجوانان و جوانان این مرز و بوم به

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۴۹

عنوان آینده‌سازان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و... از جمله نکات مهم است که توجه به آن‌ها، موجبات حفظ و تداوم این انقلاب مبارک را فراهم می‌سازد.

۳-۹. حفظ نگاه انقلابی

بی‌شک، انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان بزرگ‌ترین حادثه در جهان معاصر، دستاوردهای گران‌سنگی داشته است: استقلال سیاسی، آزادی، عزت، قدرت سیاسی بین‌المللی، وحدت ملی، عمران و آبادانی، عمومی‌شدن قدرت در ایران و... از آن جمله است.

هدف انقلاب ما، ادامه نهضت انبیای عظام الهی و اولیای بزرگ بود و با نگاهی به آینده، حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) را پیش‌رو دارد. نباید این رویکرد آغازین انقلاب به فراموشی سپرده شود. انقلاب ما هنوز هم نیازمند نگاه انقلابی و توجه به رسالت تاریخی است. رسالت تاریخی ما، ساختن فرد و جامعه دینی است که در عین اقتدار مادی و معنوی، نگاهی فعال به آینده داشته باشد. برای این منظور نباید از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های ملت فهیم ایران غفلت ورزید. اساساً مراد از حکومت، ایجاد بستری برای شکوفایی استعدادها و گوناگون‌بیکران و نهفته در نهاد آدمیان است.

۴-۹. انقلاب فرهنگی و لزوم پژوهش

فرهیختگان، دانشگاهیان و حوزویان ما در باب انقلاب و وظیفه‌ای سنگین برعهده دارند. تأکید مقام معظم رهبری بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، نباید به فراموشی سپرده شود یا به شعاری و تأکیدی دوباره بسنده گردد. علم‌خواهی و علم‌دوستی باید فرهنگ عمومی شود و صاحبان عقل و اربابان علم در حوزه و دانشگاه نیز به وظیفه مستمر خویش در باب جنبش نرم‌افزاری همت گمارند (برزنونی، ۱۳۸۵).

از جمله، وظیفه دانشگاه، توسعه مرزهای دانش است؛ این توسعه باید گره‌های مردم و جامعه را بگشاید. برای توسعه مرزهای دانش باید جرأت و جسارت علمی پدیدآید و در پرتو اجتهاد علمی، دست به تولید علم بومی زد. دانشگاه باید در متن جامعه و اداره آن حضور بارز و تأثیرگذار داشته باشد. مگر اسلامی شدن دانشگاه در کشور ما با بومی کردن آن متفاوت است؟ هرگز. دانشگاه‌ها در ایران اسلامی باید برای اداره جامعه اسلامی برنامه ارائه دهند. نباید به سکوت گذراند. مدیران دانشگاه باید انقلابی فکر کنند و با فهم و دانش عمیق، سازوکار درازمدتی را برای حل مسئله اسلامی شدن دانشگاه‌ها و بومی کردن علوم طراحی نمایند. ایجاد انقلاب فرهنگی، یکی از هدف‌های مهم حضرت امام(ره) بود و دانشگاه‌ها و دانشگاهیان، یکی از ارکان تأثیرگذار در این مسئله‌اند. مدیریت دانشگاه‌ها، باید مدیریت علمی مبتنی بر نگاه انقلابی باشد تا بتواند تأثیرگذاری خود را در عرصه‌های مورد نیاز جامعه اسلامی داشته باشد.

مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب در... □ ۱۵۱

سخن آخر در باب مسئولیت‌ها در نظام اسلامی است. در نگاه متعالی حضرت علی(ع)، مسئولیت، امانت است نه طعمه و لقمه. «إن عملک لیس لک بطعمه و لکنه فی عنقک امانه» (نهج البلاغه، نامه ۵). ما عرصه مسئولیت‌ها را عرصه انجام تکالیف الهی می‌دانیم نه عرصه رقابت‌های خانمان‌برانداز سیاسی! ما به تعبیر معروف مرحوم شهید بهشتی، هم‌چنان «شیفتگان خدمتیم نه تشنگان قدرت». مسئولیت، میدان مسابقه برای خدمت است، نه مسابقه برای کسب قدرت. فراموش نمی‌کنیم که شرط اصلی حضور مسئول در جامعه اسلامی، «اهتمام‌ورزیدن به امور مسلمین» و «خدمت‌رسانی» است. نظام ما به مدیرانی با نگاه انقلابی با نگرش خدمت به مردم برای تقرب الهی نیازمند است. ما با توکل بر خدای عزیز، نظام مردم‌سالار دینی خود را با توجه به «چشم‌انداز بیست‌ساله» آن، به پیش خواهیم برد. ما با نگاه انقلابی، به دنبال فتح سنگرهای کلیدی جهان هستیم. آماده باشیم که تحولات بزرگ در راه است.

۱۰. خاتمه

دشمن با ناتوی فرهنگی به مبارزه آشکار با اسلام برخاسته است. برای مقابله با این هجمه، جبهه فرهنگی انقلاب باید برنامه‌های بسیاری را سرلوحه اقدامات خود قرار دهد. راه اصلی آن «افزایش قدرت نرم و تاثیرگذاری هنجاری» است. توجه جدی به مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و نیز جهان اسلام، ما را با تأملاتی عمیق روبرو می‌کند که باید آن‌ها را پاس داشت و با اتکا به قدرت لایزال الهی و استفاده از نقاط قوت، از فرصت‌های موجود بهره برد. بیداری نسبت به نقاط تهدید بیرونی همراه با تلاش فراوان برای کارآمدی انقلاب و از

بین بردن نقاط ضعف داخلی، از الزامات جدی مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در مقابله فعال با ناتوی فرهنگی غرب است.

در یک بررسی ساده، می توان راه کارهای بسیار دیگری را برای مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در مقابله فعال با ناتوی فرهنگی دشمن برشمرد. مواردی نظیر «باور هجوم و بالارفتن حساسیت فرهنگی»، «جهاد فرهنگی، تولید انبوه فرهنگی و تقویت عمق استراتژیک فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران»، «استفاده از ظرفیت ها و فن آوری های نوین»، «تشکیل رسانه های فراملی»، «ایجاد شورای راهبردی مقابله برای ترسیم نقشه جامع مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور و برخورد فعال و نه منفعل»، «شناخت دشمنان و بصیرت لازم»، «تقویت ایمان، خودباوری فرهنگی و اعتماد به نفس همراه با عزم همگانی»، «بررسی ضعف ها و قوت های داخلی و فرصت ها و تهدیدهای بین المللی»، «تلاش برای ایجاد اتحاد و انسجام ملی و جلوگیری از گسست های مختلف هویتی در کشور»، «درگیرکردن سازمان های منطقه ای و اسلامی»، «استفاده از دیپلماسی کنفرانس»، «ارائه الگوی امنیت درون منطقه ای در خاورمیانه»، «راه اندازی دیپلماسی فعال عمومی»، «تبیین اشکالات نظام تک قطبی امریکا»، «تلاش برای بیداری نخبگان منطقه»، «تبیین عملکرد گذشته و آینده غرب» و «تلاش برای ایجاد وحدت در جهان اسلام و مسلمانان جهان و توجه به انسجام اسلامی» از آن جمله است که شرح آن ها به فرصتی دیگر احاله می گردد.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ایکتبری، جی. جان. (۱۳۸۲). *تنها ابرقدرت: هژمونی آمریکا در قرن ۲۱*. ترجمه عظیم فضلی‌پور. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- باقری، سیامک. (۱۳۸۴). *پروژه خاورمیانه بزرگ*. تهران: اداره سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- برزونی، محمدعلی. (۱۳۸۵). «نانوی فرهنگی در عصر استعمار فرانسوی و راهکارهای مقابله با آن».
- سخنرانی علمی در سمینار تخصصی دانشکده و پژوهشکده فرهنگی دانشگاه امام حسین (ع)، آبان.
- برزونی، محمدعلی. (۱۳۸۵). «تأملاتی پیرامون جنبش نرم‌افزاری (قسمت اول تا چهارم)». *ماهنامه اندیشه دانشجو*. شماره‌های ۸۰ و ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴. مرداد و شهریور، مهر، آبان، آذر.
- برزونی، محمدعلی. (۱۳۸۵). «نانوی فرهنگی». *ماهنامه اندیشه دانشجو*. شماره ۸۴. آذرماه.
- برزونی، محمدعلی. (۱۳۸۶). «اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛ سندی در مقابل عملیات روانی دشمن». *ماهنامه اندیشه دانشجو*. شماره ۸۸ و ۸۹. فروردین و اردیبهشت.
- برزونی، محمدعلی. (۱۳۸۶). *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از منظر مقام معظم رهبری*. *ماهنامه پژوهش‌نما*. شماره ۴۴، آذرماه.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۳). *پیام به کنگره حج سال*.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۵). *سخنرانی در سمنان*، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸ و برخی دیگر.
- خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۷۲). *کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- رایت، رابین. (۱۳۸۲). *اسلام، دموکراسی و غرب*. ترجمه علیرضا طیب. *مجله سیاست خارجی*. سال هفتم، شماره یک، بهار.
- ساندرس، فرانسیس استیونر. (۱۳۸۲). *جنگ سرد فرهنگی*. ترجمه بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی، تهران: انتشارات غرب‌شناسی.
- شاین، ادگار، اچ. (۱۳۸۳). *مدیریت فرهنگ سازمانی و رهبری*. ترجمه برزو فرهی یوزنجانی و شمس‌الدین نوری نجفی، تهران: سیمای جوان.

- عاصف، رضا. (۱۳۸۴). عملیات و جنگ روانی، جلد ۱. تهران: معاونت اطلاعات ستاد مشترک سپاه و معاونت فرهنگ و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۷۵). همراه با اصلاحات شورای بازنگری قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، بهار.
- کیوان حسینی، سیداصغر. (۱۳۸۳). «نرم‌افزارگرایی در رفتار خارجی، چالش‌های نوین در برابر هویت امنیتی- فرهنگی ج. ا». فصلنامه حصون، سال اول، شماره ۲، زمستان.
- جان گالوین. (۱۳۷۳). مجله گفتگو. شماره ۷، بهار.
- مؤسسه واشنگتن. (۱۳۸۰). سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه ۲۰۰۵-۲۰۰۱. گروه مترجمان. تهران: مؤسسه مطالعاتی ابرار معاصر.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). پیرامون انقلاب اسلامی. قم: انتشارات اسلامی. پاییز.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۸۲). «آمریکا در جهان معاصر». ترجمه مجتبی امیری. ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، تیرماه.
- هدف‌گیری ریشه‌ها. (۱۳۸۳). همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۰، نیمه دوم فروردین، به نقل از دانیل پاییز.
- وی. ای. دی. (بی‌تا). جنگ روانی، ترجمه گروه علوم انسانی جهاد دانشگاهی، تهران، دفتر مرکزی.
- Coleman, Peter. (1989). "The Liberal Conspiracy", *The Congress for Cultural Freedom and the Struggle for the Mind of Postwar Europe*. London: Collier Mc. Millan Publishers.
- Nye, S. Joseph. (2004). *Soft Power: The Means of Success in World Politics*. New York: Public Affairs.
- Wagner, Christian. (2005). *From Hard Power to Soft Power*. South Asia Institute: Department of Political Science. Working Paper, No. 26, March.
- En. Wikipedia. (n. d.). "The North Atlantic Treaty Organization (NATO)". NATO. visited in Oct. 24, 2006: <http://en.wikipedia.org/wiki/NATO>
- Anatidae, James. (2003). *Warsaw Pact*. En. Wikipedia. Visited in Oct. 24, 2006. http://en.wikipedia.org/wiki/Warsaw_Pact